

دستور جلسه: دستورالعمل ممیزی و ادامه مبحث طرح‌های مرتعداری

حاضرین: مهندس خادمی، دکتر افتخاری، مهندس زهدی (شورایعالی جنگل و مرتع)، مهندس بهزاد، دکتر نعمت‌آبی، مهندس والی، مهندس آزادی و سرکار خانم مهندس اژدری (شرکت سنستا)، مهندس علیزاده، مهندس مقیمی (بازنشسته سازمان جنگلها و مراتع)، مهندس علمدار (نایب رییس کانون مرتعداران کشور).

غایبین: دکتر ارزانی، مهندس دلاوری (معاون فنی اداره منابع طبیعی خراسان رضوی)، مهندس فیاض، مهندس یآوری، دکتر باغستانی، مهندس قزلسفلو (معاون فنی اداره منابع طبیعی گلستان)، دکتر رزاقی، مهندس پهلوان (رییس انجمن صنفی مرتعداران کشور)، مهندس یوسفی.

نظرات ارائه شده در جلسه:

- جلسات راهبردی مرتع بسیار مهم بوده و باید خروجی ملموس داشته باشد و موارد و مشکلات اساسی مراتع کشور در آن مطرح گردد و برای آنها راهکار اندیشیده شود. اما مع الاسف آنچه مراتع کشور برای نجات از وضعیت فعلی به آن نیاز دارند در خروجی این جلسات وجود ندارد.

- دستورالعمل جدید دارای ایرادات قانونی، حقوقی و تعریفی است که شاید همه آنها قابل طرح در این جلسه نباشند. تعریف مراتع مشجر قابل قبول نیست و همین تعریف غلط باعث صدور پروانه چرا در جنگلهای زاگرس و هیرکانی شده است بندهای ۱۷ و ۱۸ (مرتعدار عشایری) و بسیاری از تعاریف (مرتعدار روستایی) اشکال داشته و صحیح نمی باشد. این دستورالعمل برای ۴ هدف اصلی شناسایی بهره برداران، تعیین حدود سامانهای عرفی، تعیین ظرفیت مراتع و تعداد دام چرا کننده و زمان ورود و خروج دام تشکیل شده است. اما به نظر این دستورالعمل نمی تواند در جهت تعادل دام و مرتع حرکت کند. جنبه اجرایی دستورالعمل ضعیف بوده و آمار مراتع (تعداد بهره بردار، دام و ...) به روز و صحیح نمی باشد. حقوق عرفی دامدارانی که ترک دامداری کرده اند نیز یکی از مشکلات دستورالعمل است که اجرا نمی شود یعنی دامداری که دو سال ترک دامداری کند پروانه چرایش باطل شود. دستورالعمل سال ۱۳۸۱ از این دستورالعمل جدید بهتر است و در اجرا دستورالعمل جدید به مشکل بر خواهد خورد. در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ اکیپ های ممیزی تشکیل می شود که سازمان جنگلها و مراتع در آن نقش کمرنگی داشته و در همین مقطع زمانی است که چوپانهای دامداران بزرگ نیز دارای پروانه چرا می شوند (به دلیل فرار دامداران بزرگ و ...) و به یکباره تعداد دام زیاد می گردد تا اینکه در سال ۱۳۶۸ دوباره مراتع ممیزی می شود. مراتع اصولاً هر ده سال یکبار باید از لحاظ کلیه شرایط مورد بازبینی قرار گیرند نه اینکه ۳۰ سال به حال خود رها شوند. ممیزی مجدد مراتع ایجاد تنشهای اجتماعی می کند و لذا اجرای طرحهای مرتعداری می تواند راه خوبی برای به روز رسانی آمار، حذف دامداران غیر مجاز، ترک دامداری کرده و ... باشد.

- با ممیزی جدید بحران بزرگی حاصل خواهد شد که شاید اوضاع را خرابتر کرده و مشکلات دوچندان شده و شاید دیگر قابل حل نباشد. تجدید ممیزی شاید دارای مزایایی باشد اما با توجه به شرایط کشور و سازمان جنگلها و مراتع امکانپذیر نمی باشد لذا اجرای طرحهای مرتعداری می تواند راه خوبی برای این موضوع باشد که متأسفانه به دلایل مختلف از جمله عدم تخصیص بودجه متوقف شده است.

- ممیزی مراتع دارای چند اشکال اساسی است. شاید بهتر باشد تاریخچه ممیزی بررسی شود و پرسیده شود که سازمان جنگلها و مراتع کی ممیزی مراتع رو شروع کرد و با اجرای آن به دنبال حل چه چیزی بود. با دانستن این مساله باید از ممیزی به همان میزان

انتظار داشت که قرار بود ممیزی آنرا حل نماید. ممیزی یک مرحله گذار در مراتع ایران بود و نباید این مقدار ادامه می یافت و باید در حال حاضر ممیزی وجود نداشت و همه مراتع بر اساس طرحهای مرتعداری اداره می شدند. ممیزی مراتع قرار بود اراضی ملی را از خصوصی جدا کند همچنین اینکه در اراضی ملی بهره برداران را هم به دقت مشخص نماید. ممیزی در آن زمان در نیل به هر دو هدف تا حدود زیادی موفق عمل نمود. لذا در حال حاضر نیازی به روز رسانی، تجدید آن و ... نمی باشد. در اصل ممیزی مراتع، اصل و اساس مرتعداری کشور نیست بلکه اساس مرتعداری کشور اجرای طرحهای مرتعداری می باشد. با تجدید ممیزی و یا به روز رسانی آن مراتع درگیر چالشهای عظیم و بزرگی خواهند شد که قابل حل نخواهد بود. **لذا هدف غایی باید گذار از ممیزی به سمت اجرای طرحهای مرتعداری و حذف ممیزی در مراتع کشور باشد.**

ممیزی در واقع یک سیاست هوشمندانه در آن زمان برای اداره مراتع بدون طرح و فیلتر خوبی برای گذار از یک مرحله یا یک مقطع حساس تاریخی در مرتعداری کشور بود؛ نه ابزاری برای ادامه مدیریت مراتع کشور. با اجرای ممیزی در آن مقطع خاص چند هدف اصلی دنبال می شد:

اول: حفظ اراضی ملی یا حفظ کمیت مراتع کشور.

دوم: شناسایی بهره برداران از مراتع کشور برای مرحله بعدی (که همان اجرای طرحهای مرتعداری می باشد).

سوم: اجرای تعادل نسبی دام و مرتع و بهره برداری از مراتع بر اساس ظرفیت حدودی.

چهارم: شناسایی و حذف دامداران خرده پا و لغو پروانه چرای آنها برای اقتصادی شدن مرتعداری.

دامداران با ۱۰ راس دام نباید پروانه چرا دریافت می کردند. با ادامه سیاست ممیزی مرتع به تنهایی نمی توان مشکلات مراتع کشور را حل کرد و با دستکاری و تغییرات دستورالعمل و یا به روز رسانی آن چالشهای مراتع حل نخواهد شد. کمیسیون بند ۴۹ می تواند ممیزی را باطل کند اما متأسفانه حتی یک مورد هم جایی سراغ نداریم که ممیزی مراتع باطل شده باشد. کلام آخر اینکه ممیزی مراتع در واقع مرتعداری و مدیریت مرتع نبوده است اما متأسفانه تبدیل به یک اصل مدیریتی برای اداره مراتع کشور شده است در حالیکه توان حل چالشهای فعلی مراتع را ندارد. قابل ذکر اینکه ۵ تا ۶ درصد از مراتع کشور ممیزی نشده اند که بخشی در تعریف بیابان یا جنگل قرار گرفته اند و نمی توان به آنها ورود پیدا کرد. این دسته از مراتع اساساً قابل ممیزی نمی باشد. لذا می توان به جرات بیان کرد که یک متر مربع مرتع در کشور وجود ندارد که شرایط مرتعداری در آن حاکم باشد و ممیزی نشده باشد. باید ظرف مدت ۲ سال در مناطقی که ممیزی شده است اجازه اعتراض به دامدارانی که مدعی هستند حق آنها ضایع شده، داده می شد و سپس بعد از دو سال ممیزی را کنار می گذاشتیم و به مرحله جدیدی ورود می کردیم. اما با باز گذاشتن ممیزی تا ۱۰۰ سال آینده نیز مشکلات مرتعداری کشور حل نخواهد شد و ما همواره در همان گام نخست حل مشکل دست و پا خواهیم زد. لذا مخلص کلام اینکه اساس کار باید طرحهای مرتعداری باشد و طرحهای مرتعداری مبنای مدیریت مراتع کشور قرار گیرند و اشکالات و نارسایی های آنها بررسی شده و توسط کارشناسان امر برطرف شود.

- باید یک شاخص باشد ولو با خطا. لذا پذیرش مقداری خطا در ممیزی هم قابل قبول است. حدود ۲/۵ میلیون هکتار اراضی وجود دارد که به دلیل مشکلات نیاز به ممیزی دارند. با توجه به مشکلات فعلی مراتع کشور و عدم اجرای ممیزی به طور دقیق و عدم توان گذر از آن لذا به نظر می رسد باید ممیزی ادامه یابد و از اینرو بر طرف کردن مشکلات دستورالعمل ممیزی مهم می باشد. ماده ۵۲

دستورالعمل برای عشایر و کارشناسان عشایری قابل قبول نیست زیرا مرتع از عشایر گرفته می شود و به غیر عشایر داده می شود که این مساله ایجا تبعات اجتماعی می نماید.

- با توجه به نظرات ارائه شده چند نکته مهم وجود دارد. اول اینکه ممیزی گذار از یک مرحله خاص در تاریخ مرتعداری کشور بوده و نباید تاکنون ادامه می یافت. اما اینکه هر چند سالی دستورالعمل ممیزی به روز می شود به دلیل عدم توان گذر از مرحله ممیزی می باشد و لذا باید برای تصحیح شیوه نامه همت گمارده شود. دوم اینکه دستورالعمل فعلی متأسفانه از لحاظ جنبه اجرایی ضعیف بوده و ساز و کار اجرایی را ندارد و بهبود تنها شیوه نامه لزوماً منتج به وضعیت بهتر مراتع ممیزی نخواهد شد و لذا باید برای جنبه اجرایی آن که مهمتر است؛ نیز فکری شود. و سوم اینکه دستورالعمل به نحوی تهیه شده است که سیاستهای موجود در آن خیلی در مسیر تعادل دام و مرتع نمی باشد. چند بند از دستورالعمل ایراد دارد که به شرح زیر می باشند.

بند ۲ اشاره شده، مراتع شمال از ارتفاع ۲۴۰۰ متر به بالا هستند. در حالیکه در استان گیلان در ارتفاعات کمتر از این هم مرتع وجود دارد.

در بند ۲ تعریف مراتع بیلاقی شمال کشور، مراتع دامنه شمالی البرز حد فاصل آستارا تا گلیدانگی معرفی شده است اما اشاره ای به عرض این محدوده نشده است.

در بند ۳ در قسمت جنگل عرض منطقه نیز تعریف شده است.

در بند ۱۸ روستایی دامدار به فردی اطلاق شده است که کمتر از ۱۰ واحد دامی، دام دارد. عده کثیری از دامداران روستایی در کشور بیش از این تعداد و عموماً کمتر از ۳۰ واحد دامی، دام دارند لذا بر اساس این تعریف، طیف وسیعی از دامداران روستایی در آن قرار نخواهند گرفت. ضمن اینکه بهتر است از دو واژه روستایی دامدار و دامدار روستایی در قانون ممیزی استفاده شود. اولی برای افرادی که کمتر از ۳۰ واحد دامی دام دارند و دومی برای افرادی که بیشتر از ۳۰ واحد دامی، دام دارند.

در فصل ۲ و بند نهم اشاره شده است که پروانه چرا در مراتع روستایی به نام شورای اسلامی روستا صادر می گردد و نیز در فصل ۲ بند ۳۳ معرفی روستایی دامدار بر عهده شورای اسلامی روستا نهاده شده است.

مع الاسف با توجه به تجربیات و شواهد دال بر تخلف های شورا در روستاها بهتر است در قانون، شناسایی دامدار ذیحق بر عهده هیات ممیزی بوده و از شورای اسلامی در صورت صلاحدید کمک بگیرند پروانه چرا و معرفی دامدار بر عهده شورا نگذارند.

فصل ۲ بند ۱۳ تبصره دوم بیان می کند که مراتع شمال پس از بلامعارض شدن در اختیار اداره کل جهت مدیریت قرار می گیرد. اما در سایر مناطق برای مراتع بلامعارض بر طبق قانون باید طرح مرتعداری تهیه شده و بعد از آن به مرتعدار واگذار شود. این مساله دست ادارات در واگذاری و تغییر کاربری و ... باز گذاشته است دلیل این نامر ارزش زمین در مراتع شمال کشور می باشد.

در فصل دوم و بند ۱۵ عنوان شده چرای دام در ایستگاههای تحقیقاتی و یا در مراتع کمتر از ۵ درصد پوشش ممنوع است. عملاً این قانون اجرا نمی شود. اجرای قانون ضعیف از داشتن قانون قوی بدون پشتوانه اجرا بهتر است.

فصل دوم ماده ۵۲ به ابطال هر دو قطب دامدار عشایری اسکان یافته دلالت دارد در حالیکه نباید هر دو قطب از وی گرفته شود. ضمن اینکه مشخص نیست که این مراتع به چه اشخاصی و با چه ضوابطی واگذار خواهد شد.

فصل سوم ماده ۵ اشاره دارد عدم اجرای مفاد پروانه چرا از قبیل ظرفیت چرا، مدت و زمان استفاده باعث ابطال پروانه چرا می شود. اما پس از دو بار اخطار و در بار سوم، متاسفانه با توجه به گستردگی مراتع، کمبود نیرو و امکانات و ... بررسی یکبار مفاد پروانه چرا شاید بعد از چندین سال نیز در یک مرتع امکانپذیر نباشد لذا این بند نشان می دهد دامداران به راحتی می توانند موارد مندرج در پروانه چرا را رعایت نکنند.

فصل سوم ماده ۶ بیان می دارد عدم پرداخت حقوق و عوارض قانونی موجب ابطال پروانه چرا می باشد موردی که مع الاسف در بیشتر مراتع توسط مرتعداران رعایت نمی گردد.

- ممیزی همانگونه که عنوان شد یک مرحله گذار در مراتع ایران بوده است که متاسفانه به دلایل متفاوت به درازا کشیده شده است. می توان مدت زمانی برای اعتراض گذاشت و به اعتراضات نیز رسیدگی کرده و سپس ممیزی را کنار گذاشت. باید با گذار از ممیزی به مرحله مدیریت مرتعداری وارد شد. دولت باید ناظر مرتعداری کشور باشد نه مدیر آن. از ابتدا نیز قرار بر این بود که با گذار از ممیزی مرتعداری یا مدیریت اصولی بر عرصه های مرتعی آغاز شود و بر اساس اصول مرتعداری، مراتع کشور مورد بهره برداری قرار گیرند.

- مسائل و مشکلات اصلی مرتعداری کشور به نوعی رها شده و مسائل فرعی مثل ممیزی تبدیل به مشکل و مسئله اساسی شده است. مردم، مشارکت، انگیزه، مالکیت و ... مسایل اصلی است که رها شده اند. هنوز نتوانسته ایم راه را پیدا کنیم. پیچیدگی کار مرتعداری کشور ممیزی نمی باشد. اقتصاد دامداران مهمترین مساله می باشد که اگر حل شود بقیه مسایل را نیز با خود حل خواهد کرد.

- پایه و اساس ما گذشته و سوابق موجود است و نمی توان آنرا نادیده گرفت. در ممیزی های سال ۱۳۶۰ اصول اساسی در ممیزی در نظر گرفته نشده است و افرادی که آنرا انجام داده اند اغلب دارای سواد لازم نبوده اند به نحوی که حتی گاه توسط افراد با تحصیلات دیپلم انجام شده است. در حال حاضر ۷۹ میلیون هکتار از ۸۷ میلیون هکتار مراتع کشور ممیزی شده است و مناطقی که ممیزی نشده اند مسایل مربوط به خود را دارند (تنش های اجتماعی و ...).

مشکلات ممیزی شامل: آمارهای قدیمی و مشکلات به ارث گذاشته شده قبلی می باشند. آمارهای سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور بعضا بعد از ۱۰ سال ثابت و بدون هیچ گونه تغییر می باشد. مشکلات اساسی امروز مراتع ما شامل اجاره، ورثه، تداخل مراتع عشایری و روستایی، شورای اسلامی روستا و حریم روستا (طرح هادی) می باشد. پول تمدید پروانه چرا و صدور پروانه به دلیل کمبود نیرو گرفته نمی شود.

- حل مشکلات شیوه نامه ممیزی ضروری می باشد. فردی سالهادر آمریکا زندگی می کند اما همچنان پروانه چرا برای او صادر می گردد. لذا در ممیزی های جدید با یک بررسی و کنترل درست می توان تعداد دامدار و دام را در مقایسه با ممیزی قبلی کاهش داد. در تعیین فصل چراي مراتع نظر مرتعدار پرسیده نمی شود و لذا دانش بومی مرتعداران بلااستفاده باقی می ماند. فصل چراي مراتع در طی ۳۰ سال ثابت مانده است در حالیکه اقلیم، ترکیب گیاهی، نوع مدیریت و بسیاری از موارد تاثیر گذار دیگر در طی این ۳۰ سال تغییر پیدا کرده است. زمین ملی نباید وقف شود درحالیکه در قانون ممیزی جای اشاره کرده است که اگر مرتعی وقف باشد پروانه چرا به نام متولی وقف صادر می گردد که با اصل ملی بودن مغایرت دارد. زیرا ماده ۵۷ قانون مدنی بیان می دارد که واقف باید مالک مالی باشد که آنرا وقف می کند حال مراتع ملی بوده و سوال اینجاست که مراتع ملی بدون صاحب خاص چگونه وقف هستند!؟.

- مشکل اساسی مراتع کشور ممیزی نیست و زیر ساختهای مرتعداری بسیار مهمتر است. در این دستورالعمل به زیر ساختهای دامداری (عشایری و دامداری) و شکل و سیاق دامداری هر دسته اشاره نشده است. روش بهره برداری و هندسه مراتع باید مشخص باشد

نه اینکه یک خط تعریف برای هر کدام در دستورالعمل بیاید. روش دامداری عشایری و رمه‌گردانی بهترین شیوه‌های دامداری می‌باشند که باید در قانون به خوبی تعریف شوند. نبود اطلاعات یا اطلاعات غلط مدیریت را غیر ممکن می‌سازد چگونه سازمان بدون اطلاعات درست می‌خواهد مراتع را مدیریت کند. سازمان چندین سال است که روی یک برنامه کار می‌کند تا آمار دقیق مرتعداران، تعداد دام، تک قطبی و ... را داشته باشد که متأسفانه هنوز بارگذاری نشده است. بهره‌برداران مراتع میزان زیادی از مراتع کشور را اجاره می‌کنند. اجاره در واقع عکس‌العمل مردم نسبت به تصمیم سازمان جنگلها و مراتع است. اجاره ذاتاً ایرادی ندارد اما باید بحث قانونی آن ساماندهی شود تا برخی از مشکلات احتمالی ناشی از اجاره کم شود. درد باید عریان گفته شود تا درمان شود و نباید پنهان باشد. پزشک هم از روی لباس مریض خود را معاینه نمی‌کند. اما متأسفانه سازمان جنگلها و مراتع به جای ساماندهی اجاره تنها می‌گوید اجاره ممنوع است و مایل است آن را پنهان کند. ۳۲ انجمن صنفی مرتعداری در کشور داریم که همگی خود مراتع را اجاره می‌کنند. لذا سازمان باید مساله را حل و آنرا ساماندهی کند نه اینکه صورت مساله را پاک کند. مسایل را باید بیان کرد و برای آن راه حل عنوان نمود. نباید پروانه بهره‌برداری دامدار بدون دام را باطل کرد. بلکه باید این عده مورد تشویق نیز قرار بگیرند. اقتصاد با معیشت فرق می‌کند. اقتصاد شامل ۲۳۰ راس دام نیست و این تعداد دام سطح زندگی معیشتی است. زندگی معیشتی یعنی بخور و نمیر. بسیاری از افراد تحت این شرایط شغل خود را رها خواهند کرد و در قانون ممیزی نباید به این تعداد از دام گله اقتصادی گفته شود.

- ابطال صفت فاعلی به معنای باطل کردن است. لذا معنی ابطال می‌گردد؛ یعنی "باطل کردن می‌گردد". لذا بهتر است بنویسیم باطل می‌شود یا می‌گردد. قوانین موجود بازوی اجرایی ندارند و جنبه اجرایی آن ضعیف است. مشکل اخطار اول و دوم و سوم کار را به معنای واقعی برای اعمال قانون مشکل می‌کند. قانونی که قابل دور زدن باشد، قانون نیست. ممیزی‌های قدیمی دارای ارقام و آمار غیر قابل اعتماد است. مساحتها قدیمی بوده و گاهی تا بیش از دو برابر کمتر و بیشتر است. به روز سازی مساحتها با استفاده از نرم افزارها کار خیلی پیچیده ای نمی‌باشد و باید انجام شود. سازمان جنگلها و مراتع متولی مرتع است یا دام یا اشتغال یا واگذاری اراضی یا معدن. هنوز مشخص نمی‌باشد. این بند نیز که همه وراث باید راضی باشند بند غلطی است زیرا خیلی از وراث خارج از کشور بوده و دسترسی به آنها امکانپذیر نمی‌باشد. البته قانون جدیدی قرار است اضافه شود اگر دو سوم وراث راضی باشند مرتع قابل انتقال است. اما سوال اینجاست که سهم آن یک سوم چه می‌شود.

- دستورالعمل ممیزی فعلاً تنها ابزار کار ادارات مراتع استانها می‌باشد لذا باید جامع، قوی و صحیح تهیه شود تا دست کارشناس در دفاع از مراتع باز باشد. سطح مراتع در ممیزی‌های سالهای گذشته غالباً اشتباه می‌باشد و این امر خود سبب فشار مضاعف بر مراتع می‌گردد. بحث اجاره و ورثه در این دستورالعمل به خوبی دیده نشده است. قانون باید با عرف تا حد امکان مشابه باشد تا ضمانت اجرایی داشته باشد. یکی از مشکلات مدیریتی مراتع کشور این است که مرتعداران کشور به سن دیرزیستی رسیده‌اند و مرتعدار جدیدی وارد سیستم نمی‌گردد و یا تعداد ورودی‌ها کم بوده و اغلب بی‌علاقه و بی‌انگیزه هستند.

- تجدید و به روز رسانی ممیزی فقط منجر به افزایش تعداد بهره‌بردار خواهد شد و مشکلات مرتعداری با ممیزی مجدد حل نخواهد شد. بلکه اجرای طرحهای مرتعداری و اصلاح قوانین و ساختار منابع طبیعی تنها راه علاج مشکلات مراتع کشور است. مرتعداری و مدیریت مراتع کشور نباید برای یک مدت و دوره طولانی در ممیزی گیر کند. چون اتلاف زمان در این مرحله منجر به بروز مشکلات بیشتر و پیچیده‌تر می‌گردد و لذا باید به هر نحو ممکن از آن عبور کرد.

- در جمع بندی بحث ممیزی باید اذعان نمود که گرچه ممیزی یک دوره گذار است اما به دلیل اینکه در حال حاضر تنها ابزار ادارات منابع طبیعی می‌باشد لذا باید مجموعه مشکلات ممیزی مراتع از لحاظ قانون دستورالعمل و جنبه اجرایی آن جمع‌آوری شود و سپس در اختیار دفتر فنی مرتع قرار گیرد.

قسمت دوم جلسه: ادامه مبحث طرح‌های مرتعداری

- قبل از پرداختن به بحث طرح‌های مرتعداری باید پله زیر آن یا همان زیر ساخت و یا به عبارت بهتر ساز و کار اجرایی طرح‌های مرتعداری را هم دید والا با بهترین طرح مدیریتی اما فاقد ضمانت اجرایی هم نمی توان به هدف رسید. با بررسی شرایط مراتع کشور در می یابیم که راهی جز اجرای طرح‌های مرتعداری در کشور نداریم که مع الاسف اجرا نمی گردد. باید به طریق ممکن اجرای طرح‌های مرتعداری را در دستور کار سازمان جنگلها و مراتع قرار دهیم.

- قانون می گوید که طرح حتما باید برای همه مراتع کشور اجرا شود و کلیه مراتع کشور همانند جنگلها بر اساس طرح مدیریتی مورد بهره برداری قرار گیرند. تهیه طرح‌های مرتعداری باید در سامانه‌های عرفی انجام شود اما سیاست کلان مراتع را باید در سیاست گذارها دید. قبل از اجرای طرح باید ابتدا سیاست جامع مراتع تهیه گردد. و سپس بر اساس آن طرح‌های مرتعداری طراحی و اجرا شوند تا ضمانت اجرایی داشته باشند. مثلا طرح جامعی باشد که طرح‌های کوچکتر درون آن قرار گرفته باشند. طرح مدیریتی ابزاری لازم برای مدیریت مراتع کشور است اما رویکردها باید با توجه به زمان، اقلیم، شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... عوض شوند. سطح بندی در تهیه طرح‌های مرتعداری خیلی مهم است و باید دیده شود. یعنی باید برای طرح‌های مرتعداری یک سیاست کلان و بالاسری قوی باشد که حامی تهیه و اجرای آنها باشد.

- تهیه و اجرای طرح‌های مرتعداری را می توان در ۹ مرحله خلاصه نمود. ۱- مراحل مقدماتی (قبل از تهیه طرح) ۲- شرح خدمات طرح‌های مرتعداری ۳- قرارداد طرح‌های مرتعداری ۴- مرحله تهیه طرح‌های مرتعداری ۵- تصویب طرح‌های مرتعداری ۶- مرحله واگذاری طرح‌های مرتعداری ۷- مرحله اجرای طرح‌های مرتعداری ۸- نظارت بر طرح‌های مرتعداری ۹- پایش و ارزیابی مداوم طرح‌های مرتعداری.

مرحله نهم یا پایش طرحها شاید از همه مراحل دیگر مهمتر باشد زیرا برآیند ۸ مرحله قبلی را بررسی و ارزیابی می کند. این مرحله تاکنون در سازمان جنگلها و مراتع نبوده است. چالش های اصلی و فعلی در تهیه طرح‌های مرتعداری شامل موارد زیر می باشد:

۱- حذف اعتبارات تهیه طرح ۲- تهیه طرحها باید از سوی متقاضی و مجری باشد ۳- عدم تمکن مالی درصد زیادی از بهره برداران ۴- استانی شدن اعتبارات (برخی استانها اعتبارات اندکی دریافت می کنند) ۵- پیمانی شدن طرح‌های مرتعداری ۶- عدم نظارت بر طرح‌های مرتعداری (از یک سو با افزایش سطوح طرحها و از سوی دیگر کاهش نیروی متخصص).

لذا برای رفع این مشکلات پیشنهاد می شود که اعتبار اجرای طرحها از طریق اعتبارات عمومی و اختصاصی افزایش یابد، اعتبارات استانی، ملی شوند و کارشناسان متخصص جذب سازمان جنگلها و مراتع شوند.

- طرح‌های مرتعداری به طور حتم باید ادامه پیدا کنند. زیرا این طرحها هیچ گونه مشکل اساسی ندارند و مشکلات اندک آنها نیز با همفکری متخصصان قابل بر طرف شدن است. اما زیر ساخت و زیربنای طرح‌های مرتعداری مشکل داشته و به همین دلیل ساز و کار اجرایی محکم و تضمین شده ای در کشور ندارند. تا زیر ساخت ها فراهم نباشد هیچ طرحی در مراتع کشور قابل اجرا نیست. باید برخی اشکالات طرحها را بپذیریم و آنها را برطرف کرده و به روز کنیم. اما از سوی دیگر باید پذیرفت که طرحها ذاتا ایرادی ندارند. باید رویکردها و دیدگاهها را تصحیح و به روز کرد. نظارت و پایش طرح‌های مرتعداری نیز یکی دیگر از اهم موارد اساسی در این زمینه می باشد. تعدد بهره بردار و تمکن مالی آنها نیز دو مشکل اساسی در روند اجرای هر چه بهتر طرح‌های مرتعداری در کشور می باشد. عدم مدیریت گله و بلد نبودن گله داری یکی از معضلات اقتصادی نبودن مرتعداری کشور است.

- باید در تهیه طرح‌های مرتعداری دید باز و گسترده‌ای داشته باشیم. به عبارتی باید فراتر دید و از بیرون داخل را دید. مثلا عشایر مرز سیاسی را نمی‌شناسد و قلمرو خودش را می‌شناسد. لذا در طرح‌های عشایری باید بر اساس قلمرو عشایر و نیاز آنها طرح تهیه شود. بعد اقتصادی طرح‌ها را می‌توان در جامع نگری و در نظر گرفتن قلمرو هندسه عشایر دید.

- بسیاری از دامداران تمکن مالی تهیه طرح را ندارند که اینک تهیه طرح‌ها هیچ ضمانتی هم برای مرتعدار ندارد. مرتعدار فقط نگرهبان است. برای ایجاد انگیزه واقعی در مرتعداران باید مراتع مانند مزارع به صورت ۹۹ ساله واگذار شوند. در این حالت وضعیت مراتع به دلیل ایجاد انگیزه و حس تملک قطعا بهبود خواهد یافت و عواید این بهبودی نیز به دولت و مردم خواهد رسید. شخص بنده به عنوان یک بهره‌بردار دو بار طرح مرتعداری تهیه کرده ام و هر بار ۴ میلیون پول دادم اما طرح تصویب نشد. چون مدیران کل نمی‌خواهند طرح‌های مرتعداری تصویب شوند چون در واگذاریها دستشان کوتاه می‌شود. نباید مدیران و مسئولان، چوب حراج به منابع طبیعی و مراتع بزنند.

- مراتع بالاخره باید بر اساس یک طرح مدیریتی اداره شوند و قطعا اسم آن طرح، طرح مرتعداری می‌باشد. لذا به اصل طرح نمی‌توان ایراد گرفت. اما می‌توان نواقص و مشکلات آنها را شناسایی و برطرف نمود. در واقع موارد و محتوی درون طرح‌ها قابل اصلاح است اما اصل و ذات آنها خیر. طرح‌های مرتعداری چند ویژگی مثبت دارند که باید از آنها حداکثر استفاده را کرد. یکی از مهمترین آنها اینک با اجرای طرح‌های مرتعداری، واگذاری‌ها سخت می‌گردد. لذا مدیران منابع طبیعی با اجرای طرح‌های مرتعداری به همین دلیل مخالف هستند. در حال حاضر معضل تمدید طرح‌های مرتعداری مطرح است. تبدیل طرح‌ها از ۳۰ سال به ۱۵ سال یک کار غیر عاقلانه است که هیچ توجیه عقلانی ندارد. با توجه به کاهش نیروی دولتی در زمینه منابع طبیعی قطعا دولت نمی‌تواند مراتع کشور را اداره و مدیریت کند و باید انتقال قدرت از دولت به سمت مردم یا تشکلهای مردمی منابع طبیعی صورت پذیرد. باید ساختار جدیدی تشکیل شود که مدیریت مراتع را بهره‌برداران انجام دهند. باید همه قسمت‌های اجرای طرح‌های مرتعداری را تشکلهای منابع طبیعی انجام دهند و تنها نظارت را دولت انجام دهد. ضوابط نظارت هم باید اولاً ساده بوده و به راحتی قابل اندازه‌گیری باشد و دوماً با مشورت و همفکری انجمن‌های صنفی مرتعداران انجام پذیرد. سپس بر اساس این ضوابط ارزیابی‌ها انجام شود و سیستم تشویق و تنبیه نیز وجود داشته باشد.

- باید رویکردهای ما تغییر کند. ساختارهای قدیمی عوض شود و رویکردهای جدید به وجود آید. زیرساخت‌های تصمیمات کلان باید ایجاد شوند. انجمن‌های صنفی مرتعداران دکوری شده و بسیار ضعیف است. در حالیکه انجمن‌های صنفی در بسیاری از زمینه‌ها پتانسیل بالایی دارند که باید به کار گرفته شوند و اداره و نظارت امور را بر عهده بگیرند.

- قطعا برای اجرای طرح‌های مرتعداری به صورت موفق به یک ساز و کار اجرایی، نیروی انسانی متخصص، بودجه، سیاست بالاسری و حامی، رویکرد جدید و زیرساخت اساسی نیاز داریم. باید تک تک این موارد در این جلسات بررسی و تعیین شوند. طرح‌های مرتعداری نباید با خاتمه مدت زمان قرارداد از بین بروند. بلکه باید در صورت حفظ شرایط مرتع تمدید و در صورت نزول یا کاهش درجه وضعیت مرتع به مرتعدار واجد شرایط دیگری واگذار شوند. بهره‌برداران در طرح‌ها در صورت لزوم عوض شوند، سیاستها به روز شود، رویکردها تغییر کند، اصول فنی دچار تحول گردد اما طرح مرتعداری باید ادامه یابد.

جمع بندی:**الف- ممیزی**

- دستورالعمل جدید ممیزی از نظر قانونی، حقوقی و تعاریف ایراد دارد، باید با همفکری با کارشناسان و انجمنهای صنفی مرتعداران برطرف شود.

- با ممیزی جدید مشکلات دوچندان شود. اجرای طرحهای مرتعداری و اصلاح قوانین و ساختار منابع طبیعی تنها راه علاج مشکلات مراتع کشور است. مرتعداری و مدیریت مراتع کشور نباید برای یک مدت و دوره طولانی در ممیزی گیر کند. چون ائتلاف زمان در این مرحله منجر به بروز مشکلات بیشتر و پیچیده تر می گردد و لذا باید به هر نحو ممکن از آن عبور کرد.

- گرچه ممیزی یک دوره گذار در مراتع ایران بوده است اما به دلایل متعدد ادامه یافته و در حال حاضر تنها ابزار ادارات منابع طبیعی می باشد لذا باید مجموعه مشکلات ممیزی مراتع از لحاظ قانون دستورالعمل و جنبه اجرایی آن جمع آوری شود و سپس در اختیار دفتر فنی مرتع قرار گیرد

ب- طرحهای مرتعداری

- باید زیر ساخت و یا به عبارت بهتر ساز و کار اجرایی طرحهای مرتعداری را هم دید والا با بهترین طرح مدیریتی اما فاقد ضمانت اجرایی هم نمی توان به هدف رسید.

- مراحل مختلف اجرای طرحهای مرتعداری را می توان در ۹ مرحله خلاصه نمود که باید تک تک این مراحل به دقت مورد نقد و بررسی قرار گیرد و مشکلات و نواقص در هر یک از این مراحل برطرف شود.

- طرحهای مرتعداری به طور حتم باید ادامه پیدا کنند. باید برخی اشکالات طرحها را بپذیریم و آنها را برطرف کرده و به روز کنیم. اما از سوی دیگر باید پذیرفت که طرحها ذاتاً ایرادی ندارند. باید رویکردها و دیدگاهها را تصحیح و به روز کرد. نظارت و پایش طرحهای مرتعداری نیز یکی دیگر از اهم موارد اساسی در این زمینه می باشد. طرحهای مرتعداری نباید با خاتمه مدت زمان قرارداد از بین بروند. بلکه باید در صورت حفظ شرایط مرتع توسط بهره بردار، تمدید شوند.

- باید انتقال قدرت از دولت به سمت مردم یا تشکلهای مردمی منابع طبیعی صورت پذیرد. باید ساختار جدیدی تشکیل شود که مدیریت مراتع را بهره برداران انجام دهند. باید همه قسمتهای اجرای طرحهای مرتعداری را تشکلهای منابع طبیعی انجام دهند و تنها نظارت را دولت انجام دهد.